

کتاب
مثنوی معنوی

تألیف

جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی

دفتر سوم

براساس نسخه‌ی

رینولدالین نیکلسون

چاپ ۱۹۲۹ چاپخانه‌ی بریل، در لیدن هلند



انتشارات کاروان
www.caravan.ir

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق
مثنوی معنوی (براساس نسخہ فی ٹیکسون) / مولانا جلال الدین محمد
بلخی (مولوی). -- تهران: کاروان، ۱۴۸۶.
ج ۱

ISBN 978-964-8497-63-2 (دورہ)

ISBN 978-964-8497-51-9 (ج. ۱)

ISBN 978-964-8497-64-9 (ج. ۲)

ISBN 978-964-8497-96-5 (ج. ۳)

ISBN 978-964-8497-69-4 (ج. ۴)

ISBN 978-964-8497-68-7 (ج. ۵)

ISBN 978-964-8497-70-0 (ج. ۶)

فہرست نویسی براساس اطلاعات غیا.

ص.ع. بہ انگلیسی: The Mathnawī of Jalāl'uddīn Rūmī

۱. شمس فارسی -- قرن ۷ قہ الف. ٹیکسون، ریسنولڈ الین،

۱۸۶۸-۱۹۴۵، Nicholson, Reynold Allyn، مصحح. ب. عنوان.

۸۵۱/۳۱

PIR ۵۲۹۸

۱۳۸۵

۸۵-۱۵۷۱۰

کتابخانہ ملی ایران



انتشارات کاروان

مثنوی معنوی

(دفتر سوم)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)

(براساس نسخه‌ی ریچولد الین نیکلسون)

(مجموعه‌ی میراث)

The Mathnawi of
Jalāl'uddīn Rūmī

چاپ اول ۱۳۸۶

صفحه‌آرایی سارا محسن‌پور

طراحی جلد آتلیه کاروان

نمونه‌خوانی مینو ملک‌زاده

لیتوگرافی کارا

چاپ چهل چاپ

۵۰۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی
از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب
ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ
شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار
الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این
اثر تحت پوشش قانون حمایت از
مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

شابک: 978-964-8497-96-5

شابک دوره: 978-964-8497-63-2

مرکز پخش: کاروان - ۸۸۰۰۷۴۲۱

تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴۵-۱۸۶

email: info@caravan.ir

website: www.caravan.ir

۲۲	قصه خوردندگان پیل بچه از حرم و ترک نصیحت ناصح
۲۴	بقیه قصه متعزضان پیل بچگان
۲۶	بازگشتن به حکایت پیل
۲۷	بیان آنکه خطای محبان بهتر از صواب بیگانگان است نزد محبوب
۲۸	امر حق تعالی به موسی علیه السلام که موا به دهانی خوان که بدان دهان (-)
۲۸	بیان آنکه الله گفتن نیازمند عین لئیک گفتن حق است
۳۱	فریفتن روستایی شهریی را و به دعوت خواندن به لایه و الحاج بسیار
۳۳	قصه اهل سبا و طاغی کردن نعمت ایشان را
۳۳	جمع آمدن اهل اُفت هر صباخی بر در صومعه عیسی علیه السلام (-)
۳۷	باقی قصه اهل سبا
۴۰	بقیه داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی سوی دیه
۴۱	دعوت باز پُلان را از آب به صمرا
۴۳	قصه اهل خروان و حیل کردن ایشان تا بی زحمت درویشان باغها (-)
۴۴	روان شدن خواجه به سوی دیه
۴۶	رفتن خواجه و قومش به سوی دیه
۴۷	نواختن مجنون آن سگ را که مقیم کوی لیلی بود
۴۹	رسیدن خواجه و قومش به دیه و نادیده و ناشناخته آوردن روستایی ایشان را
۵۵	افتادن شغال در خُم رنگ و رنگین شدن و دعوی طاوسی کردن میان شغالان
۵۵	چرب کردن مرد لاهی لب و سیلت خود را هر بامداد به پوست دُنبه و بیرون (-)
۵۶	ایمن بودن بلم باعور که امتحانها کرد حضروت او را و از آنها (-)
۵۷	دعوی طاوسی کردن آن شغال که در خُم صباغ افتاد
۵۸	تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شغال که دعوی طاوسی می کرد

- تفسیر وَتَعْرِفْنَهُمْ فِي لَحَنِ الْقَوْلِ ۵۹
- قصه هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحان حق تعالی ۵۹
- قصه خواب دیدن فرعون آمدن موسی را علیه السلام و تدارک اندیشیدن ۶۱
- به میدان خواندن بنی اسرائیل را برای حیلت منع ولادت موسی علیه السلام ۶۲
- حکایت ۶۲
- بازگشتن فرعون از میدان به شهر شاد به تفریق بنی اسرائیل از زنانشان (...) ۶۳
- جمع آمدن عفران با مادر موسی و حامله شدن مادر موسی علیه السلام ۶۴
- و هیئت کردن عفران جفت خود را بعد از مجامعت که مرا ندیده باشی ۶۴
- ترسیدن فرعون از آن بانگ ۶۵
- پیدا شدن ستاره موسی علیه السلام بر آسمان و غریو منجمان در میدان ۶۵
- خواندن فرعون زنان نوزاده را سوی میدان هم جهت مکر ۶۷
- به وجود آمدن موسی و آمدن عوانان به خانه عفران و وحی آمدن به مادر (...) ۶۸
- وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن ۶۸
- حکایت عارگیر که ازدهای فسرده را مُرده پنداشت و در ریسمان هاش پیچید (...) ۶۹
- تهدید کردن فرعون موسی را علیه السلام ۷۳
- جواب موسی فرعون را در تهدیدی کی می کردش ۷۴
- پاسخ فرعون موسی را علیه السلام ۷۴
- جواب موسی علیه السلام فرعون را ۷۵
- جواب فرعون موسی را و وحی آمدن موسی را علیه السلام ۷۵
- مهلت دادن موسی علیه السلام فرعون را تا ساحران را جمع کند از مداین ۷۵
- فرستادن فرعون به مداین در طلب ساحران ۷۸
- خواندن آن دو ساحر پدر را از گور و پرسیدن از روان پدر حقیقت موسی (...) ۷۹
- جواب گفتن ساحر مُرده با فرزندان خود ۸۰
- تشبیه کردن قرآن مجید را به عصای موسی و وفات مصطفی را علیه السلام (...) ۸۰
- جمع آمدن ساحران از مداین پیش فرعون و تشریف ها یافتن و دست بر (...) ۸۳
- اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل ۸۴
- توفیق میان این دو حدیث که اَلرُّضَا بِالْكَفْرِ كَفَرٌ وَ حَدِيثٌ دِيْكَرٌ قَوْلُ لَمْ (...) ۸۹
- مثَل در بیان آنکه حیرت مانع بحث و فکر است ۹۰
- حکایت ۹۰
- داستان مشغول شدن عاشقی به عشق نامه خواندن و مطالعه کردن (...) ۹۱
- حکایت آن شخص که در عهد داود علیه السلام شب و روز دعا می کرد (...) ۹۳
- دویدن کار در خانه آن دعا کننده به الحاج، قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ (...) ۹۵

- عذر گفتنِ نظم‌کننده و مدد خواستن ۹۶
- بیان آنکه علم را دو پُرسش و گمان را یک پُرسش ناقص‌أمر ظنّ به پرواز (-) ۹۷
- مثالی رنجور شدنِ آدمی به وهم تعظیمِ خلق و رغبتِ مشتریان به (-) ۹۷
- عقول خلقِ متفاوت است در اصلی فطرت و نزد معتزله متساوی است، تفاوت (-) ۹۸
- در وهم افکندنِ کودکانِ استاد را ۹۹
- بیمار شدنِ فرعون هم به وهم از تعظیمِ حُلقان ۹۹
- رنجور شدنِ استاد به وهم ۱۰۰
- در جامهٔ خراب افتادنِ استاد از وهم و تالیفین از او وهم رنجوری ۱۰۰
- دوم بار در وهم افکندنِ کودکانِ استاد را که او را از قرآن خواندنِ (-) ۱۰۱
- خلاصی یافتنِ کودکان از مکتبِ بدین مکر ۱۰۱
- رفتنِ مادرانِ کودکان به عیادت اوستاد ۱۰۲
- در بیانِ آنکه تن روح را چون لباسی است و این دست آستین دست روح (-) ۱۰۲
- حکایتِ آن درویش کی در کوه خلوت کرده بود و بیانِ حلاوتِ انقطاع و (-) ۱۰۳
- دیدنِ زرگر عاقبتِ کار را و سخن بر وفق عاقبت گفتن با ششتمین ترازو ۱۰۳
- بقیهٔ قصهٔ آن زاهد کوهی که نذر کرده بود کی میوهٔ کوهی از درخت باز (-) ۱۰۴
- تشبیهٔ بند و دام قضا به صورتِ پنهان به اثر پیدا ۱۰۵
- مضطرب شدنِ فقیر نذر کرده به کندنِ اِمروء از درخت و گوشمالِ (-) ۱۰۶
- متهم کردنِ آن شیخ را با دزدان و بُردنِ دستش را ۱۰۶
- گراماتِ شیخ اقطع و زنبیل یافتن او به دو دست ۱۰۸
- سببِ جرأتِ ساهرانِ فرعون بر قطع دست و پا ۱۰۹
- شکایتِ آستر پیشِ شمر که من بسیار در رو می‌افتم و تو نمی‌افتی الا به نادر ۱۱۰
- اجتماعِ اجزای خبرِ عزیر بعد از پرسیدنِ پادشاه و در هم مرکب شدنِ (-) ۱۱۱
- جَزَع ناکردنِ شیخی بر مرگِ فرزندانِ خود ۱۱۱
- عذر گفتنِ شیخ بهرِ ناگریستنِ بر مرگِ فرزندانِ خود ۱۱۳
- قصهٔ خواندنِ شیخِ ضریرِ مُضخف را در رو و بینا شدنِ وقتِ قرائت ۱۱۵
- صبر کردنِ اَلَمّان چون دید که داود علیه‌السلام حلقه‌ها می‌ساخت از (-) ۱۱۵
- بقیهٔ حکایتِ نابینا و مُضخف ۱۱۶
- صفتِ بعضی اولیا که راخسارند به احکام و دعا و لایه نکنند کی (-) ۱۱۷
- سؤال کردنِ تَهلول آن درویش را ۱۱۷
- قصهٔ ذوقی و گراماتش ۱۱۹
- بازگشتن به قصهٔ ذوقی ۱۲۰
- سببِ طلب کردنِ موسی جُضر را با کمالِ نیوَت و قُریت ۱۲۱

۱۲۲	بازگشتن به قصه ذوقی.....
۱۲۳	نمودن به مثال هفت شمع سوی ساحل.....
۱۲۴	شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع.....
۱۲۴	نمودن آن شمع‌ها بر نظر هفت مرد.....
۱۲۴	باز شدن آن شمع‌ها هفت درخت.....
۱۲۴	مخفی بودن آن درختان از چشم خلق.....
۱۲۶	یک درخت شدن آن هفت درخت.....
۱۲۷	هفت مرد شدن آن هفت درخت.....
۱۲۸	پیش رفتن ذوقی به امامت.....
۱۳۰	پیش رفتن ذوقی به امامت آن قوم.....
۱۳۱	اقتدا کردن قوم از پس ذوقی.....
۱۳۲	بیان اشارت سلام سوی دست راست در قیامت از هیئت محاسبه (س) انبیا.....
۱۳۳	شدن ذوقی در میان نماز افغان آن کشتی کی غرق خواست شدن.....
۱۳۴	تصورات مرد حارم.....
۱۳۵	دعا و شفاعت ذوقی در خلاص گشتی.....
۱۳۸	انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت ذوقی و پزیدن ایشان و ناپیدا (س).....
۱۴۰	باز شرح کردن حکایت آن طالب روزی حلال بی کسب و رنج در عهد داود (س).....
۱۴۰	رفتن هر دو خصم نزد داود پیغامبر علیه‌السلام.....
۱۴۲	شدن داود علیه‌السلام سخن هردو خصم و سؤال کردن از مدعی علیه.....
۱۴۲	حکم کردن داود علیه‌السلام بر گشوده گاو.....
۱۴۳	تضرع آن شخص از داودی داود علیه‌السلام.....
۱۴۵	در خلوت رفتن داود تا آنها حقست پیدا شود.....
۱۴۶	حکم کردن داود بر صاحب گاو کی از سر گاو برخیز و تشنیه صاحب (س).....
۱۴۶	حکم کردن داود بر صاحب گاو که جمله مال خود را به وی ده.....
۱۴۷	عزم کردن داود علیه‌السلام به خواندن خلق بدان صبرا کی راز آشکارا (س).....
۱۴۸	گواهی دادن دست و پا و زبان بر سبّ ظالم هم در دنیا.....
۱۴۹	برون رفتن خلق به سوی آن درخت.....
۱۴۹	قصاص فرمودن داود علیه‌السلام خونی را بعد از الزام هجرت بر او.....
۱۵۰	بیان آنکه نفس آدمی به جای آن خونبست کی مدعی گاو گشته بود و (س).....
۱۵۲	گریختن عیسی علیه‌السلام فراز کوه از احمقان.....
۱۵۵	قصه اهل سبا و حماقت ایشان و اثر ناکردن نصیحت انبیا در احمقان.....
۱۵۷	شرح آن کوی دوربین و آن کز تیزشنو و آن برهنه درازدامن.....

- ۱۵۸ هفت خُرمی شهر اهل سبا و ناشکری ایشان
- ۱۵۹ آمدن پیغامبران از حق به تصحیح اهل سبا
- ۱۶۱ معجزه خواستن قوم از پیغامبران
- ۱۶۲ متهم داشتن قوم انبیا را
- ۱۶۲ حکایت خرگوشان که خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند که (-)
- ۱۶۳ جواب گفتن انبیا طعن ایشان را و مثل زدن ایشان را
- ۱۶۵ بیان آنکه هر کس را فرسد مثل آوردن خاصه در کار الهی
- ۱۶۵ مثل ها زدن قوم نوح به استهزا در زمان کشتی ساختن
- ۱۶۶ حکایت آن دزد که می پرسیدندش که چه می کنی نیم شب در بن این دیوار (-)
- ۱۶۶ جواب آن مثل که منکران گفتند از رسالت خرگوش پیغام پیل از ما و آسمان
- ۱۶۸ معنی خرم و مثال مرد حارم
- ۱۶۹ وخامت کار آن مرغ که توکب حزم کرد از حرص و هوا
- ۱۷۰ حکایت نفر کردن سگان هر زمستان که این تابستان چون میاید خانه (-)
- ۱۷۱ منع کردن منکران انبیا را علیهم السلام از تصحیح کردن و حجت (-)
- ۱۷۲ جواب انبیا علیهم السلام مر جبریان را
- ۱۷۲ مکرر کردن کافران حجت های جبریه را
- ۱۷۲ باز جواب انبیا علیهم السلام ایشان را
- ۱۷۲ مکرر کردن قوم اعتراض تر چیه بر انبیا علیهم السلام
- ۱۷۳ باز جواب انبیا علیهم السلام
- ۱۷۵ حکمت آفریدن دوزخ آن جهان و زندان این جهان تا معبد متکبران باشد (-)
- ۱۷۶ بیان آنکه حق تعالی صورت ملوک را حبیب مسخر کردن جباران که (-)
- ۱۷۷ قصه عشق صوفی بر سفره تهی
- ۱۷۸ مخصوص بودن یعقوب علیه السلام به چشیدن جام حق از روی برسف و (-)
- ۱۷۹ حکایت امیر و غلامش کی نماز باره بود و انس عظیم داشت در نماز و (-)
- ۱۸۱ نوید شدن انبیا از قبول و پذیرایی منکران قوله حتی اذا استقیأس الرُّسُلُ
- ۱۸۱ بیان آنکه ایمان مقلد خوفست و رجا
- ۱۸۲ بیان آنکه رسول علیه السلام فرمود اِنَّ لِلّٰهِ تَغَالِي اَوْلِيَاءَ اَخْفِيَاءَ
- ۱۸۲ حکایت مندل در تنور پز آتش انداختن انس رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ و ناسوختن
- ۱۸۳ قصه فریاد رسیدن رسول علیه السلام کاروان عرب را کی از تشنگی و (-)
- ۱۸۵ تشکی آن غلام از غیب پز آب کردن به معجزه و آن غلام سیاه را سپید و (-)
- ۱۸۶ دیدن خواجه غلام خود را سپید و ناشناختن که اوست و گفتن که (-)
- ۱۸۸ بیان آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید از سماوات و ارشین و اعیان و (-)

- آمدن آن زن کافر با لطف شیرخواره به نزدیک مصطفی علیه السلام و (...) ۱۸۹
- ربودن عقاب موزه مصطفی علیه السلام و بُردن بر هوا و مگون کردن و (...) ۱۹۰
- وجه عبرت گرفتن از این حکایت و یقین دانستن که إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۱۹۱
- استدعای آن مرد از موسی زبان بهایم با طیور ۱۹۱
- وهمی آمدن از حق تعالی به موسی کی بیاموزش چیزی کی استدعا (...) ۱۹۲
- قانع شدن آن طالب به تعلیم زبان مرغ خانگی و سگ و (...) ۱۹۳
- جواب خروش سگ را ۱۹۴
- حُجَل گشتن خروش پیش سگ به سبب دروغ شدن در آن سه وعده ۱۹۵
- خبر کردن خروش از مرگ خواجه ۱۹۵
- دریدن آن شخص به سوری موسی به زتهار چون از خروش خبر (...) ۱۹۷
- دعا کردن موسی آن شخص را تا به ایمان رود از دنیا ۱۹۷
- اجابت کردن حق تعالی دعای موسی را علیه السلام ۱۹۸
- حکایت آن زنی کی فرزندی نمی زیست بنالید جواب آمد کی آن عرض (...) ۱۹۸
- در آمدن حمزه رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ در جنگ بی زره ۱۹۹
- جواب حمزه مر خلق را ۲۰۰
- حیله دفع مغیون شدن در نیع و شرا ۲۰۲
- وفات یافتن بلال رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ با شادی ۲۰۴
- حکمت ویران شدن تن به مرگ ۲۰۵
- تشبیه دنیا کی به ظاهر فراخست و به معنی تنگ و تشبیه خراب کی (...) ۲۰۶
- بیان آنکه هرچه غفلت و غم و کاهلی و تاریکیست همه از تنست که ارضی (...) ۲۰۷
- تشبیه نَص با قیاس ۲۰۸
- آداب الْمُتَسَمِّعِیْنَ وَالْمُرِیدِیْنَ عِنْدَ فَيْضِ الْحَقِّقَةِ مِنْ لِسَانِ الشَّيْخ ۲۰۹
- شناختن هر حیوانی بوی عدد خود را و حذر کردن و بطلالت و خسارت آن (...) ۲۱۰
- فرق حیوان دانستن چیزی به مثال و تقلید و میان دانستن ماهیت آن چیز ۲۱۱
- جمع و توفیق میان نفی و اثبات یک چیز از روی نسبت و اختلاف جهت ۲۱۲
- مسئله فنا و بقای درویش ۲۱۳
- قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از بخارا گریخت از بیم جان (...) ۲۱۴
- پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم به وقت برهنگی و (...) ۲۱۵
- گفتن روح القدس مریم را که من رسولِ حقم به تو آشفته حشر و (...) ۲۱۸
- عزم کردن آن وکیل از عشق که رجوع کند به بخارا لا اَبالی وار ۲۱۹
- پرسیدن مشهوری از عاشق غریب خود که از شهرها کدام شهر را (...) ۲۲۰
- منع کردن دوستان او را از رجوع کردن به بخارا و تهدید کردن (...) ۲۲۰

- ۲۲۱ لایالی گفتن عاشق ناصح و عاقل را از سر عشق.
- ۲۲۳ رو نهادن آن بنده عاشق سری بخارا.
- ۲۲۲ در آمدن آن عاشق لایالی در بخارا و تحذیر کردن دوستان او را از پیدا شدن.
- ۲۲۴ جواب گفتن عاشق عادلان را و تهدید کنندگان را.
- ۲۲۶ رسیدن آن عاشق به معشوق خریش چون دست از جان خود بپشت.
- ۲۲۶ صفت آن مسجد که مهمان کُش بود و آن عاشق مرگجوی لایالی (...).
- ۲۲۷ مهمان آمدن در آن مسجد.
- ۲۲۷ سلامت کردن اهل مسجد آن مهمان عاشق را از شب خفتن در آنجا (...).
- ۲۲۸ جواب گفتن عاشق عادلان را.
- ۲۲۹ عشق جالینوس برین حیات دنیا بود کی هنر او همین جا به کار می آید (...).
- ۲۳۰ دیگر باره سلامت کردن اهل مسجد مهمان را از شب خفتن در آن مسجد.
- ۲۳۳ گفتن شیطان قریش را کی به جنگ احمد آید کی یاری ها کتم و قبیله (...).
- ۲۳۵ مکرر کردن عادلان پند را بر آن مهمان آن مسجد مهمان کُش.
- ۲۳۵ جواب گفتن مهمان ایشان را و مثل آوردن به دفع کردن حارس گشت (...).
- ۲۳۹ تمثیل گریختن مؤمن و بی صبری او در بلا به اضطراب و بی قراری نخود (...).
- ۲۳۱ تمثیل صابر شدن مؤمن چون بر سر و خیر بلا واقف شود.
- ۲۴۱ عذر گفتن گدایان یا نخود و حکمت در جوش داشتن کدبانو نخود را.
- ۲۴۲ یاقی قصه مهمان آن مسجد مهمان کُش و نبات و صدق او.
- ۲۴۲ ذکر خیال بد اندیشیدن قاصد مهمان.
- ۲۴۳ تفسیر این خبر مصطفی علیه السلام کی بَلَقَرَأَن ظَنُورَ وَ بَطْنُ وَ لَيْطَنِهِ بَطْنُ (...).
- ۲۴۲ بیان آنکه رفتن انبیا و اولیاء علیهم السلام به کوه ها و غارها جهت پنهان (...).
- ۲۴۲ تشبیه صورت اولیا و صورت کلام اولیا به صورت عصای موسی و (...).
- ۲۴۵ تفسیر یا جمال اُوی مَقَه وَ الطَّيْر.
- ۲۴۶ جواب طعنه زننده در مثنوی از قصور فهم خود.
- ۲۴۶ مثل زدن در رمیدن کُرّه اسب از آب خوردن به سبب شخولیدن ساسان.
- ۲۴۸ بقیه ذکر آن مهمان مسجد مهمان کُش.
- ۲۴۸ تفسیر آیت وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَ رَجَلَک.
- ۲۴۹ رسیدن بانگ طلسمی نیم شب مهمان مسجد را.
- ۲۵۱ ملاقات آن عاشق با صدر جهان.
- ۲۵۲ جذب هر عنصری جنس خود را کی در ترکیب آدمی شغفینس شده (...).
- ۲۵۴ متعجب شدن جان نیز به عالم ارواح و تقاضای او و میل او به مغز خود (...).
- ۲۵۵ نَسْخُ غَزَائِمَ وَ نَقْضُهَا جهت باخبر کردن آدمی را از آنکه مالک و (...).

- ۲۵۶ نظر کردن پیغامبر علیه‌السلام به اسیران و تبسم کردن و گفتن کی (-)
- ۲۵۷ تفسیر این آیت که اِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ الْآیَه ای طاعنان (-)
- ۲۵۸ سیر آنکه بی مراد بازگشتن رسول علیه‌السلام از حنیبیه حق تعالی لقب (-)
- ۲۵۸ تفسیر امین خیر که مصطفی علیه‌السلام فرمود لَا تَفْضَلُونِي عَلَي يُونُسَ بْنِ مَتَّى
- ۲۵۹ آگاه شدن پیغامبر علیه‌السلام از طعن ایشان بر شهادت او
- ۲۶۱ بیان آنکه طاعی در عین قاهری مقهورست و در عین منصوری مأسور
- ۲۶۳ جذب معشوق عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا يَقْلَعُهُ الْعَاشِقُ وَلَا يَرْجُوهُ وَلَا يَخْطُرُ (-)
- ۲۶۴ داد خواستن پشه از باد به حضرت سلیمان علیه‌السلام
- ۲۶۵ امر کردن سلیمان علیه‌السلام پشه متظلم را به احضار خصم به دیوان حکم
- ۲۶۶ نواختن معشوق عاشق بیهوش را تا به هوش باز آید
- ۲۶۸ با خویشی آمدن عاشق بیهوش و روی آوردن به ثنا و شکر معشوق
- ۲۷۱ حکایت عاشقی دراز هجرانی و بسیار امتحانی
- ۲۷۲ یافتن عاشق معشوق را و بیان آنکه جوینده یابنده بود کی فَمَنْ يَعْمَلْ (-)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحِكْمُ جُنُودُ اللَّهِ يَقْوَىٰ بِهَا أَرْوَاحُ الْمُرِيدِينَ يَنْزُهُ عِلْمُهُمْ عَنْ شَايِبَةِ
الْجَهْلِ وَعَذْلُهُمْ عَنْ شَايِبَةِ الظُّلْمِ وَجُودُهُمْ عَنْ شَايِبَةِ الرِّيَاءِ وَحِلْمُهُمْ
عَنْ شَايِبَةِ السَّفَهِ وَيَقْرُبُ إِلَيْهِمْ مَا بَعُدَ عَنْهُمْ مِنْ فَهْمِ الْآخِرَةِ وَيُسِّرُ لَهُمْ
مَا عَسَرَ عَلَيْهِمْ مِنَ الطَّاعَةِ وَالْاجْتِهَادِ وَهِيَ مِنْ بَيِّنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَدَلَايِلُهُمْ
تُخْبِرُ عَنْ أَسْرَارِ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ الْمَخْصُوصِ بِالْعَارِفِينَ وَإِدَارَتِهِ الْفَلَكَ
النُّورَانِي الرَّحْمَانِي الدُّرِّي الْحَاكِمِ عَلَى الْفَلَكَ الدُّخَانِي الْكَرِّي كَمَا أَنَّ
الْعَقْلَ حَاكِمًا عَلَى الصُّورِ التَّرَابِيَةِ وَحَوَاسِهَا الظَّاهِرَةِ وَالْبَاطِنَةِ فَدَوْرَانُ
ذَلِكَ الْفَلَكَ الرُّوحَانِي حَاكِمًا عَلَى الْفَلَكَ الدُّخَانِي وَالشَّهْبُ الزَّاهِرَةُ
وَالسُّرُجُ الْمُنِيرَةُ وَالرِّيَّاحُ الْمُنْشِئَةُ وَالْأَرْضُ الْمَدْجِيَّةُ وَالْمِيَاهُ الْمَطْرَدَةُ

نفع الله بها عباده وزادهم فهماً وإنما يفهم كل قارئ على قدر نهيته و
ينسك الناسك على قدر قوة اجتهاده ويُفتي المفتي مبلغ رأيه و
يتصدق المتصدق بقدر قدرته ووجود الباذل بقدر موجوده و يقيتي
المجود عليه ما عرّف من فضله ولكن مفتقد الماء في المفاضة لا يقصر
به عن طلبه معرفته ما في البحار ويجد في طلب ماء هذه الحياة قبل أن
يَقْطَعَهُ الاشتغال بالمعاش عنه و تُعَوِّقُهُ العلة والحاجة و تحول الأغراض
بينه وبين ما يتسرع اليه ولن يذرك العلم مؤثّر هوى ولا ركن الى دعة
ولا منصرف عن طلبه ولا خائف على نفسه ولا مهتم لمعيشته إلا أن
يعوذ بالله و يؤثّر دينه على دنياه و يأخذ من كنز الحكمة الاموال
العظيمة التي لا تكسد ولا تورث ميراث الاموال والانوار الجليلة و
الجواهر الكريمة والضياع الثمينة شاكراً لفضله معظماً لقدره مجللاً
لخطره و يستعيد بالله من خسارة الحظوظ و من جهل يستكثر القليل
مما يرى في نفسه و يستقل الكثير العظيم من غيره و يُعْجَبُ بنفسه بما
لم يأذن له الحق، و على العالم الطالب أن يتعلم ما لم يعلم و أن يُعَلِّمَ ما
قد عَلِمَ و يرفق بذوى الضعف في الذهن ولا يُعْجَبَ من بلادة اهل
البلادة ولا يُعَيِّفَ على كليل الفهم، كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ، سبحانه الله و تعالى عن اقاويل الملحدين و شرّك المشركين

و تنقيص الناصقين و تشبيه المشبهين و سوء اوهام المتفكرين و
كيفيات المتوهمين، وله الحمد و المجد على تليفق الكتاب المشنوء
الالهى الربانى و هو الموفق و المتفضل وله الطول و المَن لا سيما على
عبادة الغارفين على رغم جزب يريدون ان يطفئوا انوار الله بأفواههم
والله مقيم نوره ولو كره الكافرون، انا نحن نزلنا الذِّكْر و انا له لحافظون،
فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا إِنَّمَا عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.